

متن پرسش

سلام بر استاد گرامی ببخشید در ماه مبارک رجب بنده دارم مسائل ده نکته از معرفت النفس را باز خوانی می‌کنم و امیدوارم که با این روش دفتر خودم را ورق زده باشم... ان شاء الله این دفعه سؤالاتی در ذهنم ایجاد می‌شود که تا ۱۵ دقیقه از صوتتان را گوش می‌دهم سریعاً سؤالات را یادداشت می‌کنم و صوت را متوقف. مثلاً: در شرح نکته اول معرفت نفس فرمودید که در روش تجربی شناخت نفس، بایستی موانع را کنار بزنیم تا با خود پدیده - به صورت عینی و حضوری - مواجه شویم. بعد از آن فرمودید که در خواب و مرگ، انسان با نفس خویش حاضرانه تر مواجه است. یعنی در این بین به صورت پنهانی عنصر جسم را حذف کردید و ادعا نمودید که جسم همان مانعی است که باید مرتفع شود! ولی نفرمودید چگونه به این نتیجه رسیدید که: «باید جسم را حذف کنیم تا کارمان راه بیفتد!». در برهان دوم از اینکه «من ما هست بدون نیاز به تن» فرمودید که کم شدن اعضای بدن مثل قطع شدن دست، باعث نمی‌شود که من انسان کم شود. حال اگر کل بدن را از دست بدهیم باز هم من ما هست. پس انسان بدون جسمش هست. ولی در این بین نفرمودید که اگر انسان سرش قطع شود یا قلبش از کار بیفتد درجا می‌میرد! در اینجا می‌توانیم نتیجه بگیریم که «من ما همان مغز ماست.» با توجه به کنکوری بودن ما دعا بفرمایید که همه جانبه (هم معرفتی هم علمی) قوی شویم تا بتوانیم در عالم انقلاب اسلامی جور دیگری نقش آفرینی کنیم. ان شاء الله با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. برای عبور از جسم، همان توجه به خود، به خصوص توجه به خود در خواب، کار خوبی است. ۲. در کتاب «خویشتن پنهان» عرض شد که بعضی از اعضای بدن طوری است که اگر از بین برود امکان تدبیر نفس از بدن به کلی منحرف می‌شود و از آن به بعد نفس، خود را در نزد خود تجربه می‌کند. موفق باشید